

جمعه 7 تیر 1398 - 24 شوال 1440 - 28 ژوئن 2019

انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت مظلومانه شهید بهشتی و یارانش (1360 ش)



انفجار دفتر حزب جمعه‌ی اسلامی و شهادت مظلومانه شهید بهشتی و یارانش (1360 ش)، یک روز پس از سوء قصد به جان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ششم تیرماه 1360، در ساعت 20 و 30 دقیقه شامگاه روز یکشنبه هفتم تیرماه 1360، جلسه‌ای در سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران برگزار شد. بحث روز درباره تورم بود اما عده‌ای از اعضا خواستند که درباره انتخابات ریاست جمهوری نیز صحبت شود. شهید بهشتی سخنانش را با این جملات آغاز کرد: "ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ما مهره‌سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند و..." این آخرین کلمات آن بزرگوار بود که از لبان حقگویی ایشان بیرون تراوید. ناگهان انفجاری مهیب روی داد و در کمتر از ثانیه‌ای، از سالن اجتماعات حزب جمهوری اسلامی جز تلی از خاک، چیزی نماند. فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در تهران و شهادت مظلومانه هفتاد و دو تن از برجستگان و نیروهای لایق و کارآمد انقلاب و در رأس آنها شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی از سوی سازمان جهنمی منافقین، عکس‌العمل استکبار جهانی و عوامل داخلی آنها در قبال برکناری بنی‌صدر خائن و حذف ضدانقلاب از صحنه سیاسی کشور توسط مسؤولین نظام اسلامی بود. عوامل این جنایت بزرگ معتقد بودند که در اثر کشتار مسؤولان عالی‌رتبه، اوضاع کشور بهم می‌ریزد و انقلاب اسلامی از بین خواهد رفت ولی به کوری چشم دشمن، انقلاب ما پایدارتر شد و هیچگونه تزلزلی در ارکان نظام به وجود نیامد. در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی علاوه بر آیت‌الله دکتر بهشتی، تعداد زیادی از وزرای کابینه و نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شهادت رسیدند. حضرت امام خمینی(ره) پس از این حادثه فرمودند: "ملت ایران در این واقعه، 72 نفر به عدد شهدای کربلا را از دست داد. بهشتی خار در چشم دشمنان اسلام بود".

عملیات اندامی طغ 3، در منطقه غرب کتیه، توسط ارتش (1364 ش)، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در ساعت 1 بامداد 7 تیرماه 1364 به منظور ضربه زدن به بخشی از نیروهای دشمن در شمال غربی خط خودی - جبهه شمالی جنگ - عملیات محدود و ضربتی «طغ 3» را به اجرا گذاشت. در این یورش 20 دستگاه خودرو، 12 زاغه مهمات و شماری از سنگرهای انفرادی و اجتماعی دشمن منهدم شد.

عملیات فتح 7 در حلیجه توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (1366 ش)، تداوم عملیات‌های نامنظم در عمق جبهه دشمن و همکاری مستمر با معارضان عراقی، که بیشتر آنها از گروه طالبانی (یعنی اتحادیه میهنی کردستان عراق) بودند، ضربات سنگینی بر پیکر تشکیلات و سازمان نظامی دشمن وارد می‌آورد. یکی از مهمترین و کاری‌ترین حمله‌ها از این دست، عملیات «فتح 7» بود که طی آن نیروهای خودی تحت امر قرارگاه برون مرزی «رمضان» با رمز «یا فاطمة الزهرا (سلام الله علیها)» و یگان‌هایی از معارضان کرد عراق با هدف انهدام تأسیسات نظامی و اقتصادی دشمن در منطقه «حلیجه»، «شانه دري»، «سیدصادق» و «اربت» در روز 7 تیرماه 1366 وارد عمل شدند. نیروها با انهدام ساختمان مرکزی پارازیت محور «چناق چیان» و دکل مخابراتی و پست برق، شهر سیدصادق عراق را به مدت چند ساعت تحت کنترل خود گرفتند و در همین فاصله به تخریب ساختمان‌های دولتی پرداختند. همچنین طی این حمله به پادگان‌های شهرهای سیدصادق و حلیجه و یگان ضد شورش این شهر خسارات سنگینی وارد آمد و 6 پایگاه حفاظتی اطراف سیدصادق نیز منهدم شد. نیروهای عمل‌کننده در این عملیات با یورش به پادگان «کانی پانکه» و مقر تاکتیکی 257 و انهدام مرکز موتور لشکر 27 عراق توانستند تعداد 1545 نفر از نیروهای دشمن را کشته و زخمی و اسیر نمایند. در جریان این یورش 50 دستگاه خودروی نظامی دشمن به آتش کشیده شد.

قوه قضائیه یکی از مهم‌ترین شئون حکومت اسلامی، برپاداشتن حق و احقاق حقوق صاحبان حق می‌باشد که مستلزم وجود دستگاه قضایی مستقل، مقتدر و عدالت‌محور است. بر همین اساس، امام خمینی رحمه الله قوه قضائیه را حساس‌ترین مکان نظام دانسته، آن را پناهگاه ستمدیدگان می‌دانند و تضعیف آن را برخلاف موازین اسلامی برشمردند. از منظر رهبر کبیر انقلاب، مطابقت عملی احکام قوه قضائیه با موازین اسلامی، می‌تواند نجات بخش و حلال بسیاری از مشکلات کشور باشد. به دست آوردن رضایت مردم و در نتیجه رضایت خداوند آن زمان عملی خواهد بود که قوه قضائیه در دادخواهی‌ها و اجرای عدالت و حدود اسلامی، پیاده کردن حقوق اسلام را مدنظر داشته باشد.

تولد "ژان ژاک روسو" متفکر، نظریه‌پرداز و فیلسوف بزرگ فرانسه (1712 م) ژان ژاک روسو فیلسوف و نویسنده بزرگ فرانسوی - سوئیسی در 28 ژوئن 1712 م در ژنو پایتخت سوئیس به دنیا آمد و در روزهای آغازین زندگی، مادرش را از دست داد. روسو تحت سرپرستی پدر، موفق به تحصیل نشد. اما مطالعه را فراموش نکرد. وی تا شانزده سالگی به همین منوال گذراند تا این که به جهانگردی روی آورد. در این مدت او برای گذراندن زندگی به خدمتکاری و پست‌رسانی خدمات اشتغال جست تا این که ساکن پاریس شد. روسو پس از آنکه زنی دون پایه و بی‌سواد را به همسری گرفت، صاحب پنج فرزند شد اما به پرورش و تربیت هیچ یک از این فرزندان نپرداخت و به محض آنکه متولد شدند، آنها را به پرورشگاه کودکان سیر راهی سپرد. روسو تقریباً چهل ساله بود که قدم

تیره، ولی، عهد انباشته، مجارستان در سالنامه ایجاد بهانه برای شروع جنگ جهانی اول (1914م)، از نیمه دوم قرن نوزدهم، اگرچه جنگ‌های پراکنده‌ای در سطح جهان میان کشورهای مختلف ادامه داشت، اما تولید و انباشت سلاح، سازماندهی ارتش‌ها، شکل‌گیری قدرت‌های افزون‌خواه و عقاید و افکار توسعه‌طلبانه باعث شد تا در دوره صلح مسلح، جهان در انتظار فاجعه‌ای جهانی قرار بگیرد این فاجعه با حادثه‌ای به ظاهر کم اهمیت آغاز شد. در 28 ژوئن 1914م فرانسیس فردیناند، ولیعهد اتریش و همسرش توسط یک دانشجوی صرب در جریان سفر این دو به شهر سارایوو ترور و به قتل رسیدند. به دنبال این حادثه، دولت اتریش خواستار دخالت مستقیم در بازجویی و سایر مراحل پرونده این قتل شد. دولت صربستان از توطئه قتل ولیعهد اتریش اطلاع نداشت ولی متهم به شرکت در این توطئه شد و دولت اتریش ضمن آمادگی برای یک تهاجم نظامی به صربستان، روز 23 ژوئیه 1914م اولتیماتوم شدید‌اللحنی به دولت صربستان فرستاد. صربستان برای جلوگیری از وقوع جنگ، قسمت اعظم شرایطی را که اتریش در اولتیماتوم خود عنوان کرده بود پذیرفت ولی اتریش که قصد تصرف صربستان و دفع خطر نهضت‌های اسلاوهای جنوبی را داشت پاسخ صربستان را قانع کننده تشخیص نداد. به همین بهانه، اتریش یک ماه بعد از ترور ولیعهد و 5 روز پس از اولتیماتوم، در 28 ژوئیه 1914م به صربستان حمله کرد و از ماه اوت همان سال، با حمایت آلمان از اتریش و حمله ارتش آلمان به بلژیک، جنگ جهانی اول، رسماً آغاز شد. (رک: 28 ژوئیه)

در ماجرای فلسفه گذاشت و رساله‌های در این زمینه نگاشت. وی پس از آنکه از جانب دولت فرانسه بی‌رحمی و عدالتی‌ها را مشاهده کرد، بر آن گشت که تمام توان خود را صرف واژگون ساختن حکومت فرانسه، و همه حکومت‌های که بدون رضایت رعایا فرمان می‌راندند، کند. وی انسان را طبیعتاً خوب می‌دانست و می‌گفت این تنها سازمان‌ها و تشکیلات است که او را بد می‌سازد. روسو اعلام داشت که بدترین تشکیلات ما، مالکیت خصوصی است. نخستین انسانی که قطعه زمینی را محصور ساخت و با خود اندیشید که این زمین متعلق به من است، مؤسس واقعی حکومت ظلم و جور بود. سرانجام، روسو نتیجه می‌گیرد: تنها راه درمان این مصیبت آن است که تمدن را کنار بگذاریم و به طبیعت بازگردیم، زیرا همه مردم در حالت طبیعی خود، خوب هستند. انسان وحشی برای خوشبختی به چیزی جز غذا احتیاج ندارد، وقتی که سیر شد، با طبیعت و با همه هم‌نوعانش در دوستی و صلح و صفاست. انتشار افکار روسو، او را به شهرت رساند، با این حال، مشاجرات فراوانی را نیز برانگیخت. روسو معتقد بود که فرهنگ و تمدن، مایه شر و ظلم و فساد است و بسط تمدن موجب عدم تساوی می‌گردد. روسو خواهان برافکندن نظام پلید و ایجاد دنیایی بهتر برای نسلی خوش‌بخت و تر بود. او خصوصیات این دنیای خیالی را در کتاب‌های چند از جمله هلوئیز جدید و قرارداد اجتماعی نگاشت که از محرک‌های انقلاب کبیر فرانسه شدند و بیش از یک قرن، سرمشق اندیشه فلسفی و کارهای سیاسی بودند. روسو با هر نوع حکومت زور مخالف بود و هر اقدامی در جهت تحمیل اراده بر دیگران را ناپسند می‌دانست. هم‌چنین با اینکه روسو، خود فرزندانش را به پرورشگاه سپرد و از تربیت آنها، شانه خالی کرد، با این حال به تربیت کودکان و جوانان، توجهی خاص داشته و کتابی مخصوص در تربیت با نام «امیل» نگاشته است که موجب تحول عظیمی در فرهنگ جهان شد. او در این کتاب داستان‌مانند، اصول و قواعد تربیت را عنوان نموده و قوانین پرورش را مطرح ساخته است. او معتقد بود که باید در تربیت کودکان و جوانان، تا جایی که ممکن است، قید و بند را کنار گذاشت و آنان را به حالت طبیعی و آزادی پرورش داد تا با تکیه بر فطرت سلیم خود، به خوبی تربیت یابند. روسو هم‌چنین همانند دیگر حکیمان قرن هجدهم، با مسیحیت و آداب دینی که کشیشان مقرر داشته‌اند مخالفت می‌ورزید. علاوه بر کتاب «امیل»، از روسو آثار متعددی بر جای مانده که اعترافات در 12 جلد، تفکرات تنهایی و بحث‌های درباره علم و هنر و... از آن جمله‌اند و در حدود ده اثر از روسو نیز به فارسی ترجمه شده‌اند. روسو نویسنده‌ای بود با روحی بسیار نیرومند، شاعری پرهیجان و عاشق طبیعت و نقاش عواطف و احساسات که بر ادبیات اروپایی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای برجای گذاشت. اندیشه‌های سیاسی او سال‌ها پس از مرگش مورد توجه قرار گرفت. روسو زیبایی کوهستان و جاذبه زندگی خانواده و خلوص و سادگی آداب و رسوم را در آثار خود آشکار ساخت و حق عشق را چنانکه باید، ادا کرد. شیوه نثر روسو به نثر فرانسه استحکام و اصالت بخشید. به طوری که گفته‌اند با روسو، دنیای جدید آغاز شد. به طور کلی روزگار ژان ژاک روسو، همه به دربردی و بی‌خانمانی گذشت. تدمزاجی، غرور و خودپسندی بسیار و سوء ظن شدیدی داشت ولی در عین حال حساس، باذوق و صاحب قلم بود. گفته‌های غالباً با عقاید متعارف و احکام ظاهر عقل مخالفت دارد اما با بلاغت تمام و حرارت مفرط، مقرون است. سال‌های پایانی عمر ژان ژاک روسو، در نتیجه صدماتی که کشید، در عدم تعادل روحی و سوءظن شدید گذشت تا اینکه سرانجام در دوم ژوئیه 1778م، یک سال قبل از انقلاب کبیر فرانسه در 66 سالگی درگذشت. با این حال آثار وی تأثیری عظیم در مردمان زمان خود گذاشت و از عوامل بزرگ شکل‌دهی انقلاب فرانسه محسوب می‌شوند تا جایی که روسو را پیامبر انقلاب فرانسه می‌خواندند.